

## دوره های سبک شعر فارسی

سبک شعر، یعنی مجموع کلمات و لغات و طرز ترکیب آنها، از لحاظ قواعد زبان و مفاد معنی هر کلمه در آن عصر، و طرز تخیل و ادای آن تخیلات از لحاظ حالات روحی شاعر، که وابسته به تأثیر محیط و طرز معیشت و علوم و زندگی مادی و معنوی هر دوره باشد، آنچه از این کلیات حاصل می شود آب و رنگی خاص به شعر می دهد که آن را «سبک شعر» می نامیم، و قدما گاهی به جای سبک «طرز» و گاه «طریقه» و گاه «شیوه» استعمال می کردند.

شعر فارسی، به طور کلی، از زیر سیطره و تسلط چهار سبک بیرون نیست، اگر چه باز هر سبکی به طریقه و طرزهای مختلفی تبدیل می شود تا می رسد به جایی که هر شاعری استیل و طرز خاصی را به خود اختصاص می دهد که قابل حصر نیست، بنابر این در مدارس امروز ما تنها چهار سبک را اصیل و مبدأ سبکها قرار داده ایم و آن به قرار زیر است:

### ۲- سبک خراسانی یا ترکستانی

نمونه از شعر رودکی پدرشعر فارسی:

بوی جوی مولیان آید همی      یاد یار مهربان آید همی

ریگ آمو درشتی راه او      زیر پا یم چو پرنیان آید همی

آب جیحون با همه پهناوری      خنگ ما را تا میان آید همی

ای بخارا شاد باش و شاد زی      شاه نزدت میهمان آید همی

میر ماه است و بخارا آسمان      ماه سوی آسمان آید همی

میر سرو است و بخارا بوستان      سرو سوی بوستان آید همی

آفرین و مدح سود آید ترا      گر به گنج اندر زیان آید همی

سبک خراسانی که آن را سبک ترکستانی هم می‌گویند در واقع طنز و شیوه شاعران خراسان بوده است.

در این شیوه که از اولین دوران شعر فارسی یعنی اوایل قرن چهارم تا اواسط قرن ششم ادامه داشت.

شاعران و استادان زیادی مانند: رودکی، فرخی، عنصری، فردوسی، منوچهری، ناصر خسرو، سنایی و

مسعود سعد سلمان ظهور کرده و شیوه خراسانی را به کمال رساندند.

سبک خراسانی دو مرحله دارد: دوره سامانی و دوره غزنوی و سلجوقی.

در دوره سامانی، سادگی بیان و کهنگی تعبیرات و اصطلاحات به خوبی مشخص است. غلبه کلمات فارسی بر واژه‌های عربی و توجه به توصیفات طبیعی و ساده و محسوس و عینی از ویژگیهای شعر این دوره محسوب می‌شود.

موضوعاتی که در شعر این دوره مطرح می‌شود غالباً یا مدح است و یا هجور و هزل

که هر دو ملایم است و معتدل و دور از اغراق. تغزلات عاشقانه و پند و اندرز

و حکمت با شیوه‌ای شاعرانه و نه عالمانه نیز از مشخصات شعر این دوره به شمار

می‌رود. از قالبهای مهم در این عصر می‌توان به قصیده و مثنوی اشاره کرد. در قصیده معمولاً موضوع مدح و هجو و تغزل است و در مثنوی تمثیل و داستان و حماسه بیان می‌شود. عنصری و منوچهری و بعدها ناصرخسرو و سنایی به تدریج سادگی طبیعی را از شعر سبک خراسانی دور می‌سازند و آن را تا حدی از میان می‌برند. در سبک این دوره بعضی قالب‌های تازه مانند ترجیع بند و ترکیب بند و نیز مسمط و قطعه به وجود می‌آید. با این همه قصیده و مثنوی از قالبهای معتبر این سبک است. صنایع بدیع اعم از لفظی و معنوی و انواع تشبیهات در شعر این دوره رواج داشته است. شاعرانی مانند عنصری، منوچهری، ناصرخسرو و سنایی از اصطلاحات فلسفی، نجوم، ریاضیات و بعضی مباحث علوم طبیعی و پزشکی در شعر خود استفاده می‌کند و به این ترتیب رنگی عالمانه به شعر خود می‌زدند. استفاده از احادیث و آیات قرآنی و نیز اشعار عربی در میان شاعران این دوره رواج بیشتری یافت. مثلاً منوچهری که دیوان اشعار عربی را از برداشت نمی‌توانست خود را از زیر نفوذ و تاثیر آن خارج سازد و ناصرخسرو و سنایی معلومات و مطالعات دینی خود را در شعر خویش می‌آوردند. بیان موضوعاتی مانند مدح و هجو و تغزل و پند و حکمت در شعر این دوره ادامه یافت ولی در این میان اغراق و تا حدی اضافه‌گویی زیاده‌تر شده و در واقع به نوعی تکامل یافت. با این همه کسانی مانند ناصر خسرو، مدح اغراق‌آمیز را به یک سو نهادند و حکمت و دین و اخلاق را به جای آن معنای قرار دادند. هر چند در ابتدای این سبک روح ملی

وحماسی خاصه در دوره سامانی جلوه‌ای بارز داشت ولی در پایان آن این روحیه تضعیف شده و جای آن را روحیه زاهدانه کسانی مثل ناصر خسرو و اخلاق صوفیانه شاعرانی چون سنایی پر کرد. به طور خلاصه می‌توان گفت شروع این سبک با روحیه حماسی و پایان آن با روحیه صوفیانه.

شعرای موجد سبک بین بین: سید حسن غزنوی، انوری ابیوردی، رشید و طواط، عمادی شهریار، خاقانی شیروانی، نظامی گنجوی، ظهیرفاریاب، جمال الدین اصفهانی. (سبک آذربایجانی)

## ۲- سبک عراقی

سبک عراقی با ظهور سلجوقیان در خراسان و اتابکان در عراق و آذربایجان به

وجود آمد و به تدریج شعر "دری" که مرکز اصلی آن در خراسان و ماوراءالنهر

است، به عراق و آذربایجان راه یافت. از طرفی در این دوران بر اثر سیاست

سلجوقیان، مدارس مختلف دینی تأسیس شد و معارف اسلامی مانند تفسیر و

منطق و حکمت و علوم بلاغی و ادبیات عرب در این مدارس تدریس می‌شد و

ترویج علوم و معارف اسلامی باعث شد که شاعران و ادیبان نیز با علوم رایج زمان

آشنا شوند. در این دوره علوم مدرسه‌ای در شعر تأثیر فراوان گذارد تا آنجا که فرا

گرفتن علوم از لوازم شاعری شد و مایه تفاخر و مباهات شاعران. رواج شعر دری در

عراق و آذربایجان و تاثیر علوم اسلامی و ادبیات عرب در آن سبب شد که در شعر فارسی تحولی اساسی به وجود آید. این تحول هر چند در شعر شاعران آذربایجان و عراق مشهودتر است اما می‌توان آن را قبل از همه در شعر "انوری" و "ظهیر فاریابی" مشاهده کرد. "انوری" نخستین کسی است که این شیوه جدید را ارائه می‌دهد و از یک طرف قصاید و مدایح اغراق آمیز و پرصنعت را وارد شعر رهایش کرد و از طرف دیگر غزل‌های لطیف و پرشور سرود. در آذربایجان "خاقانی" و نظامی "پرچم دار شیوه تازه شدند و در عراق "جمال الدین اصفهانی" و پسرش "کمال الدین" و این شیوه را برگزیده و در ادامه این روند "سعدی" و "حافظ" آن را به اوج می‌رسانند.

معانی شعری در این شیوه تازه گذشته از مدح که با اغراق و خضوع و خشوع فراوان نسبت به ممدوح همراه است دارای هجو و هزل نیز هست اگر بعضی از شاعران این دوره مانند "انوری" و "سوزنی سمرقندی" هجوهای تند و هزل‌هایی (مطالب طنز گونه) زشت دارند ولی دیگر شاعران این سبک مانند "خاقانی" نیز سرودن در مایه‌های هجو و هزل را آزموده‌اند. عرفان و اخلاق و زهد از معانی رایج در شعر این دوره است. غزل که ابتدا انوری آن را به صورت یک نوع جدید ارائه می‌دهد، در شعر غالب شاعران این دوره آزمایش می‌شود اوج آن در غزل سعدی و حافظ جلوه گر می‌شود. عرفان و تصوف نیز در این عصر یکمضمون رایج است که غالباً در شعر کسانی مانند مولوی و عطار و عراقی به چشم می‌خورد.

اغلب قالبهای شعری مانند: قصیده و مثنوی و غزل در این دوره رواج دارند. در میان شاعران این دوره نظامی گنجوی در "خمسه" نوعی جدید از انواع ادبی را در قالب مثنوی ارائه میدهد. او کلام خود را نو می‌داند و حتی با فردوسی به چالشگری بر می‌خیزد. در این دوره است که سعدی بوستان را می‌آفریند و امیر خسرو دهلوی و جامی گذشته از مثنوی‌های داستانی، اخلاق و حکمت را در قالب مثنوی رواج میدهند. شاعران فارس و اصفهان قالب غزل را بر قالبهای دیگر ترجیحی دهند و "فارس" مرکز غزلسرایی به سبک عراقی می‌شود و سعدی و حافظ خداوندان غزل، هریک شیوه تازه‌ای می‌آفرینند. توجه به زیبایی کلمه و سادگی و خوش آهنگی که در واقع سبک خاص سعدی است در غزل تاثیر می‌گذارد و شاعران بسیاری از او تقلید می‌کنند ولی با این همه حافظ تحولی بزرگ در غزلفارسی ایجاد می‌کند و سبکی مستقل و آزاد می‌آفریند. در سبک عراقی قالب مثنوی و غزل اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و تا دوره‌های بعد ادامه می‌یابد.

به طور کلی خصایص شعر سبک عراقی به طور خلاصه عبارتند از: کثرت لغات و ترکیبات عربی و از میان رفتن لغات دور از ذهن فارسی، رواج اشارات و تلمیح‌های فراوان مربوط به معانی علوم و اظهار فضل کردن و توجه و گرایش شاعران به حکمت و فلسفه و منطق، تضمین و اشاره به آیات و احادیث و اشعار مشهور عربی و اشاره به اخبار و احوال انبیا و مشایخ رو آوردن به بیان غیرمستقیم و استفاده از استعاره و معما و ابهام، استفاده از اغراق و صنایع مختلف بدیع، رواج بیان مسائل

مذهبی و کم رنگ شدن حس وطن پرستی و گذشته از اینها توجه به اموال شخصی و زن و فرزند و اظهار بدبینی و تأسف از زندگی و گاه نفرت از شعر و شاعری که غالباً روحیات شاعر را نشان می دهد، از خصایص ممتاز و چشمگیر سبک عراقی به شمار می روند.

### ۳- سبک هندی

سبک هندی یا اصفهانی که مقدمات آن از دوره مفعول فراهم شده بود با

ظهور دولت " صفویه " در ایران و "بابریه" در هند و نیز بر اثر بعضی عوامل اجتماعی و سیاسی و دینی به وجود آمد.

پادشاهان صفوی برای حفظ استقلال ایران و تشکیل حکومت ملی، مذهب شیعه را به عنوان یک مذهب ملی و رسمی در سراسر ایران رواج می دادند و برای اشاعه آن تبلیغات دامنه داری را آغاز کردند و همین امر روال مذهبی و سنتی گذشته را تغییر داد. توجه شدید پادشاهان صفوی به تشیع و علاقه فراوان آنان به خاندان نبوت و اهل بیت باعث شد که شعر در خدمت مذهب و تبلیغ مذهبی قرار گیرد. پادشاهان صفوی به مدح و اغراقات آن چندان علاقه ای نشان نمی دهند. غالباً شعر در نظر آنان جز مناقب و مراثی امامان و اهل بیت چیزی نیست و شاعران مدیحه سرا که جز اغراق و تملق چیزی برای ارائه کردن نداشتند مورد بی اعتنایی

قرار می‌گرفتند. برخی از شاعران به دربار بابر به رفتند و بسیاری به شعر مذهبی خاص مرثیه روی آوردند. از آنجا که دربار ایران به شاعران روی خوش نشان نمی‌داد، قصیده سرایی و سرودن خاصه مدیحه از رونق افتاد و همین موضوع امر باعث می‌شد که شعر از دربار خارج شود و به دست مردم و طبقات مختلف بیفتد. در سبک هندی قالب غزل بیش از قالب‌های دیگر اهمیت یافت و شعرای بزرگ این مکتب مانند صائب تبریزی، نظیری نیشابوری، کلیم کاشانی، عرفی شیرازی و بیدل آن توجه فراوان کردند.

اگر چه در قالب‌های دیگر مانند مثنوی و قصیده نیز شاعران چون محتشم،

کلیم، عرفی و ... شعری سرودند ولی جز مرثیه چیزی ارائه نکردند.

به طور کلی خصایص اصلی سبک هندی عبارتند از:

- اجتناب از سادگی بیان

- سعی در رقت فکر و خیال

- رعایت ایجاز و کوتاهی در کلام و جست و جوی در مضامین پیچیده و تعبیرات

بی سابقه

- آوردن ترکیبات و کلمات نامأنوس و دور از ذهن و مضمون آفرینی

- آفرینش خیال و توجه به تمثیلات و ارسال المثل‌ها بر مبنای استفاده از تجارب

روزمره تا حدی که نشان دهنده تاثیر محیط زندگی در شعر باشد

علاوه بر این‌ها توجه به اوهام و خرافات و رواج حکمت عامیانه، بیان احوال

شخصی و عواطف مربوطه زن و فرزند و خویشان نیز از خصوصیات این سبک به شمار می‌رود.

مضمون‌آفرینی و به جست و جوی مضامین بکر و ناگفته و نشناخته رفتن چنان که قبلاً هم اشاره شد چندان در سبک هندی رواج می‌یابد که کار به ابتذال می‌کشد. مثلاً محمدطاهر غنی کشمیری از این که ساقه نرگس مانند قلم تهی است و از زمین آب می‌گیرد و کسیکه درد دندان دارد باید با قلم نی آب بخورد، در تشبیه معشوق و رقابت نرگس با آن، وسیلی خوردن وی از دست صبا، چنین مضمون عجیبی می‌سازد:

نرگس از چشم تو دم زد، بر دهانش زد صبا--- درد دندان دارداکنون می‌خورد آب از قلم

یا شوکت بخاری از سایه مژه چشم مور، قلمومی سازد و به دست نقاش می‌دهد تا دهان تنگ یار را به آن تصویر کند:

ز سایه مژه چشم مور بست قلم---- چو می‌کشید مصور دهان تنگ تو را  
پرگویی نیز از خصایص شعر سبک هندی است.

شاعران این عصر غالباً در تمام مدت عمر به شعر گویی یا به عبارت دیگر شعر بافی سرگرم بودند. مثلاً شاعری به نام عواصی یزدی، روزی پانصد بیت شعر می‌گفته است و نود سال عمر کرده است.

شاعران سبک هندی: صائب تبریزی، زلالی خوانساری، علی نقی کمره ای، عرفی شیرازی، کلیم کاشانی، فیض دکنی، وحید قزوینی، بیدل، غنی کشمیری.

#### ۴- بازگشت ادبی یا سبکهای جدید

این نهضت از اواخر قرن دوازدهم هجری شروع شد و در اول مرکز اولیه آن اصفهان بود. علت ظهور این نهضت نه تنها تاسیس دولت قاجاریه و تشویق و علاقه پادشاهان و شاهزادگان قاجاریه به مدیحه و شعر درباری است بلکه بنا به قول ملک الشعرای بهار غالب شاعران این دوره به علت ابتدالی که در شیوه هندی راه یافته بود، از آن شیوه خسته شده بودند و به احیای شعر گذشته ایران رو آوردند. این نهضت ابتدا در اصفهان آغاز می شد و شاعرانی مانند سید محمد شعله اصفهانی، میر سید علی مشتاق، لطفعلی بیگ آذربیکدلی و سید احمد هاتف اصفهانی به مخالفت با شیوه هندی، دست به سرودن اشعاری به شیوه شاعران متقدم مانند سعدی و حافظ می زدند. سپس در زمان سلطنت آغامحمدخان قاجار، عبدالوهاب نشاط اصفهانی انجمن ادبی در همان شهر تشکیل می داد و شاعران را به سرودن اشعاری به شیوه قدما خاصه به سبک عراقی تشویق کرد.

هدف شاعران در این انجمن احیای شعر کهن، یعنی سبک خراسانی و عراقی بود.

شاعرانی مانند صبا، نشاط، مجمر، سحاب، وصال شیرازی غالباً به شیوه گذشته شعر می‌سرودند و به مدح فتحعلی شاه و شاهزادگان و تقلید از انواع و قالب‌های مختلف شعر پیشینیان سرگرم شدند و به این ترتیب روند شعر فارسی در تمام قرن سیزدهم یعنی تا زمان سلطنت ناصرالدین شاه با این رویه پیش می‌رود. از معروف‌ترین شاعرانی که در قرن سیزدهم و قسمتی از قرن چهاردهم بدین شیوه شعر سروده‌اند می‌توان به فروغی بسطامی، قآنی شیرازی، سروش اصفهانی و ملک الشعرا بهار اشاره کرد. این شاعران هر چند گاه اشعار نسبتاً خوبی هم دارند اما بیشتر نیروی خود را صرف محکوم کردن شیوه هندی کرده و اکثراً از پیشینیان تقلید کرده‌اند.

- شاعران سبک بازگشت ادبی و شیوه‌های آزاد: آذر بیکدلی، مشتاق، هاتف، ضیاء اصفهانی، رفیق، طیب، صباحی (که به سبک عراقی شعر گفته‌اند)، صبای کاشانی، قآنی شیرازی، سپهر کاشانی، مجمر اصفهانی، سروش اصفهانی، محمود خان ملک الشعرا کاشانی.

شعرايي که به شیوه حافظ شعر گفته‌اند: میرزا عبدالوهاب نشاط، فروغی، بسطامی.

شعرايي که به شیوه ساده شعر گفته‌اند: شاطر عباس، عارف قزوینی، ایرج تبریزی، سید اشرف گیلانی.

شعراي متجدد که سبک قدیم را هم حفظ کرده‌اند: دهخداي قزوینی، بهار

خراسانی، فروزانفر، همائی اصفهانی، دکتر ناتل خانلری، دکتر رعدی، رهی

معیری، و غیره.

منبع : سبک شناسی زبان و شعر فارسی - ملک الشعراى بهار